كتاب الاقرار

بسم الله الرحمن الرحيم

الاقرار اخبار بحق لازم بر مقر له بر نفس خود و اقرار صحيح آنست كه مقر عاقل باشد و بالغ و آزاد و مختار و
به آن چيزى كه اقرار كند وصف اقرار كرده و بر مقر له و حقيقت وى معلوم باشد و دعوى كرده كه دعوى بلوغ بايد تمام و با تجزف
چون در وقت امكان دعوى نكند و سوگند نخورد مقبول و اگر دعوى طلب خود كند و سوگند نخورد مقر بيست اقرار مست فرست آنست و نيز چون اقرار كرده
اگر بر وى خيانتى كرده باشد مجبور عصر بود و اگر مقر موجب حقى باشد و سيد بر مقر مكره باشد و بايستى كه بر وى ثابت شود كه مقر بدون تعلق
كرده و اگر اقرار بحبس كرده باشد مدت حبس بود و مجبور نباشد و اجرى و ضرب و قتل فايده نمى دهد و نفس صادر نفس مادر عضو و مقر كند و اقامت
حد و كشتن و حبس است اقرار بزنى كرده باشد و قطع نمى كند و در حال مرگ سبب تصديق كند و اگر بيمار در مرض الموت اقرار كرده بدين صحت يا بحبس
مرض موجب عقوبت است يا بدين يا بدين كه بر ميكانه باشد و آن مرض شود اقرار درست آيد و اگر اقرار شخص در حالت صحت اقرار كرده و اقرار
ديگرى در حالت بيمارى بود و يك بود و ان اول را مقدم بدانند مجتبى اگر در حالت صحت مادر حالت بيمارى اقرار كرده بدين و بعد
از وى وارث ثبوت اقرار كرده بدين و ديگر اين دو ديگر ان عكس ان بود كه اقرار كرده است محقق مى باشد اگر بعض از ورثه بدين اقرار
كرده بدين و بعض كرده بدان و آن شرعى نيست نصيب آن از تركه و اگر بعض كرده بدين ورثه بدين بر مورث شد پس كل ادا دهد نشود و
اگر در حالت صحت اقرار كرده فلان بنده مرا در حالت صحت خود آزاد كرده ام و در حالت مرض بنده بنده ام اقرار وى قبول باشد
و اگر در حالت بيمارى اقرار كرده فلان بنده مرا در حالت صحت خود آزاد كرده ام و در حالت مرض بنده بنده ام اقرار وى قبول نبا